

راهنما: برای یافتن پاسخ هر مورد، به واژه‌نامه کتاب فارسی (۲) و درس‌های ذکر شده رجوع کنید:

ستایش (۱)	درس ششم (۶)	(۱) درس دوازدهم (و درس دوازدهم فارسی (۱))	(۱۶) درس شانزدهم
درس یکم (۲)	درس ششم (۷)	(۱۲) درس چهاردهم (و درس سیزدهم فارسی (۱))	(۱۷) درس شانزدهم
درس دوم (۳)	درس یازدهم (۸)	(۱۳) درس پانزدهم	(۱۸) درس شانزدهم
درس دوم (۴)	درس دوازدهم (۹)	(۱۴) درس پانزدهم (سرزنش مترادف چه بود؟)	(۱۹) درس هجدهم
(۵) درس دوم	(۱۰) درس‌های سوم و دوازدهم	(۱۵) درس شانزدهم	(۲۰) درس دوازدهم

(نامه کوتاه مترادف چه بود؟)

در موارد (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) همه واژه‌ها پذیرفتنی بودند و در مورد ۱۶ هیچ یک از موارد پذیرفتنی نبودند.

تمرین: در کدام موارد، دو واژه مترادف نیستند؟

(۱) نژند = زبون	(۶) ضیعت = زمین زراعی کوچک	(۱) میثاق = عهد استوار	(۱۶) درای = پتک
(۲) دغل = تنبل	(۷) ندیم = نوکر	(۱۲) سیماب گون = نقره‌ای	(۱۷) حرب = آلت نزاع
(۳) افکار = دل‌تنگ	(۸) مرشد = مرید	(۱۳) بار = شرف‌یابی همگانی	(۱۸) قبا = بالاپوش
(۴) دوال = یک لایه	(۹) آماس = متورم	(۱۴) بازارگاه = میدانی سرگشاده و	(۱۹) زمزد = سنگ قیمتی به رنگ
		پر از دکان	سرخ
(۵) زر پاره = سکه	(۱۰) عندلیب = هزارستان	(۱۵) پشت‌پای = سینه پای	(۲۰) متصدد = شکارچی

قراضه و خرده

پاسخ و توضیح

(۱) نژند = خوار و زبون، اندوهگین (ستایش)	(۱۱) میثاق = عهد و پیمان، عهد استوار (درس پنجم)
(۲) دغل = مکر و ناراستی، در اینجا مکار و تنبل (درس یکم)	(۱۲) سیماب گون = به رنگ جیوه، جیوه‌ای؛ سیماب: جیوه (درس هشتم)
(۳) افکار = مجروح، خسته (درس دوم)	(۱۳) بار = اجازه، رخصت؛ بار عام: پذیرایی عمومی، شرف‌یابی همگانی؛ مقابل بار خاص (پذیرایی خصوصی) (درس دهم)
(۴) دوال = چرم و پوست: یک دوال: یک لایه، یک پاره (درس دوم)	(۱۴) بازارگاه = کوچه سرپوشیده که از دو سوی دارای دکان باشد؛ در متن درس، مقصود اهل بازار است. (درس دوازدهم)
(۵) زر پاره = قراضه و خرده زر، زر سکه شده (درس دوم)	(۱۵) پشت‌پای = روی پا، سینه پا (درس دوازدهم)
(۶) ضیعت = زمین زراعتی؛ ضیعتک: زمین زراعی کوچک (درس دوم)	(۱۶) زخم درای = ضربه پتک: درای، در اصل زنگ کاروان است. (درس دوازدهم)
(۷) ندیم = همنشین، همدم (درس دوم)	(۱۷) حرب = آلت حرب و نزاع؛ مانند شمشیر، خنجر، نیزه و ... (درس چهاردهم)
(۸) مرشد = ارشادکننده، راهنما، متضاد مرید و سالک (درس سوم)	(۱۸) قبا = نوعی جامه جلویاز که دو طرف جلو آن با دکمه بسته می‌شود. (بالاپوش = ردا) (درس چهاردهم)
(۹) آماس = ورم، تورم؛ آماس کردن: گنجایش پیدا کردن، متورم شدن (درس پنجم)	(۱۹) زمزد = سنگ قیمتی به رنگ سبز (درس پانزدهم)
(۱۰) عندلیب = بلبل، هزارستان (درس پنجم)	(۲۰) متصدد = شکارگاه (درس پانزدهم)

۶۱. رابطه میان «فراز آمدن» و «استبعاد» در واژه‌های کدام گزینه دیده می‌شود؟
 (۱) متراکم و گشن
 (۲) در بایست و رودر بایستی
 (۳) زخندان و کُله
 (۴) مرشد و سالک
۶۲. در میان ترکیب‌های زیر، چند جفت متضاد دیده می‌شود؟
 «افگار و نژند»، «ادبار و اقبال»، «تشرع و عرفان»، «وقار و سبک‌سری»، «مطاع و مطیع»، «طوع و رغبت»، «عنا و غنا»، «افراط و تفریط»، «الحاح و اجبار»
 (۱) پنج
 (۲) نش
 (۳) هفت
 (۴) هشت
۶۳. واژه‌های کدام گزینه متضاد نیستند؟
 (۱) روی و ریا
 (۲) صورت و سیرت
 (۳) ارواح و اشباح
 (۴) عز و ذل
۶۴. کدام دو واژه متضاد نیستند؟
 (۱) اعراض و اقبال
 (۲) حلیه و راستی
 (۳) فاحش و پنهان
 (۴) دزد و داروغه
۶۵. رابطه واژه‌ها در همه گزینه‌ها از یک نوع است مگر در گزینه
 (۱) مُزور و صدیق
 (۲) گرو و وثیقه
 (۳) اکراه و اشتیاق
 (۴) سعد و نحس
۶۶. واژه‌های کدام گزینه می‌توانند هم مترادف باشند هم متضاد؟
 (۱) خیر خیر - خیره خیر
 (۲) پرده و حجاب
 (۳) نفیر و غریو
 (۴) حریف و همراه
۶۷. واژه‌های کدام گزینه متضاد هم به کار نمی‌روند؟
 (۱) جلی و خفی
 (۲) متفق و مختلف
 (۳) ادا و اطور
 (۴) معمر و شاب
۶۸. همه واژه‌های زیر به جز هم می‌توانند در معنای صفت به کار روند هم در معنای اسم.
 (۱) کفایت
 (۲) وخامت
 (۳) هول
 (۴) دغل
۶۹. کدام دو واژه متضاد نیستند؟
 (۱) نژند و پدرام
 (۲) ژنده و نو
 (۳) دد و دام
 (۴) برنشستن و برخاستن
۷۰. رابطه میان «مخوف و موحش» میان واژه‌های کدام گزینه دیده می‌شود؟
 (۱) نوند و هیون
 (۲) کنف و کُرف
 (۳) تگ و ژرف
 (۴) زهر و تریاق
۷۱. میان «مَرکب» و چند واژه از واژه‌های زیر رابطه تضمّن برقرار است؟
 «گَرزه، ارغند، استر، کردند، گُمیت، توسن، هیون، کهر، ابرش، سمن، معبر»
 (۱) ۶
 (۲) ۷
 (۳) ۸
 (۴) ۹
۷۲. کدام واژه با سه واژه دیگر متناسب نیست؟
 (۱) تیربار
 (۲) کلک
 (۳) برجک
 (۴) زنبورک
۷۳. رابطه واژه‌ها در کدام گزینه از نوع تضمّن نیست؟
 (۱) شرع و رواق
 (۲) پلاس و گلیم
 (۳) جُل و پوشش
 (۴) دوری و بشقاب



۷۴. در میان واژه‌های «درع، زره، گیر، خفتان، جوشن، ترگ» چند واژه مترادف و هم‌معنا هستند؟

- (۱) شش (۲) پنج (۳) چهار (۴) سه

۷۵. «خورجینک» مترادف است با:

- (۱) انبان (۲) زرخدان (۳) محمل (۴) جامه‌دان

۷۶. کدام واژه با سه دیگر در یک ردیف نیست؟

- (۱) گرز (۲) گَرزه (۳) کوپال (۴) عمود

۷۷. مترادف چند واژه در کمانک روبه‌روی آن‌ها درست آمده‌است؟

اندرماندن (متحیر شدن)، معیار (صواب)، شوخ (لطیفه)، شگرف (قوی)، عتاب (شماتت)، عنود (ستیزه‌کار) فاحش (هویدا)، خیره سر (ستیزه‌روی)، فضل (کرامت)، رز (ناک)

- (۱) هشت (۲) هفت (۳) شش (۴) پنج

۷۸. رابطه «ردا» و «طیلسان» همانند رابطه و است.

- (۱) بن - بلوط (۲) بلوط - بن (۳) طبق - سینی (۴) طبق - خمره

۷۹. کدام واژه درست معنا نشده‌است؟

- (۱) خوان: سفره‌ای که بر آن طعام باشد
(۲) تعلیقات: یادداشت مطالب در رساله
(۳) شهناز: گوشه‌ای از دستگاه شور
(۴) خورجینک: کیسه‌ای از پشم شامل دو جیب

۸۰. کدام واژه کاملاً درست معنا شده‌است؟

- (۱) قلیه: نوعی خوراک که در جشن‌ها و عروسی‌ها دهند.
(۲) بیرنگ: نسخه‌برداری از روی یک طرح یا تصویر
(۳) لعل: یکی از سنگ‌های قیمتی که رنگ سبز معروف است.
(۴) مهمیز: وسیله‌ای که با آن اسب را به حرکت وامی‌دارند.

۸۱. توضیح مربوط به کدام واژه درست و دقیق است؟

- (۱) سگان: ابزاری در جلوی کشتی برای حرکت دادن آن از سمتی به سمت دیگر.
(۲) خلنگ: درختی که از چوب آن تیر و نیزه می‌سازند.
(۳) فرودسرای: اتاقی که در خانه پشت اتاق دیگر واقع شده است.
(۴) آغوز: شیری که یک ماده به نوزادش می‌دهد.

۸۲. توضیح مربوط به کدام گزینه کاملاً درست است؟

- (۱) نمط: پارچه‌ای کلفت که با آن جامه، کلاه یا فرش درست می‌کنند.
(۲) ارتفاع ولایت: بلندی‌ها و رشته‌کوه‌های یک سرزمین
(۳) گرزه گاوسر: گرز ضخاک که به شکل سرگاو از فولاد ساخته بودند.
(۴) زه‌آب: آبی که پشت سنگی یا زمینی جمع می‌شود.

۸۳. کدام واژه درست معنا شده است؟

- (۱) قَدَّارَه کش: عربده کش و گستاخ
- (۲) گروهان: واحد نظامی شامل سه گردان
- (۳) وظیفهٔ روزی: وظایف معمول و روزانه
- (۴) درهم: سکهٔ نقره که کسری از دینار بود.

۸۴. توضیح کدام واژه درست نیست؟

- (۱) مشروعیت: منطبق بودن روبه قانون‌گذاری و حکومت با احکام شرع
- (۲) حمایل کردن: محافظ قرار دادن چیزی برای چیز دیگر
- (۳) تفرید: تحقق بنده به حق به‌طوری که حق، عین قوای بنده شود.
- (۴) تجرید: خالی شدن قلب سالک از آن‌چه جز خداست.

۸۵. معنای چند واژه در کمانک روبه‌روی آن درست نیامده است؟

- صحیفه (کتاب)، تک و پوز (سر و صورت)، دارا (از پادشاهان کیانی)، طاق (رواق)، وجه (ذات)، قسیم (صاحب جمال)، سمند (زرده)، استدعا (فراخواندن)، ملاک (صاحب)
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۸۶. در کدام گزینه فقط واژهٔ مُعَرَّب آمده است؟

- (۱) تازی، تریاق، خندق
- (۲) ضحاک، صور، لجام
- (۳) لجام، کنز، نفیر
- (۴) صفدر، فردوس، نماز

۸۷. در کدام گزینه فقط واژهٔ مُمال آمده است؟

- (۱) سلیح، مزیح، مهمیز
- (۲) اسلیمی، هلیم، رقیب
- (۳) رکیب، کتیبه، مکاتیب
- (۴) جهیز، حجیب، نقیب

۸۸. معنای «زاد» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) ز کویت رخت بربستم، نگاهی زاد راهم کن / به تقصیر عنایت، یک تبسم عذرخواهم کن
- (۲) مشو دل‌بسته هستی که دوران / هر آن را زاد، زاد از بهر کشتن
- (۳) تخم اشکی می‌فشاند آه و از خود می‌رود / غیر شب‌نم نیست بیدل زاد همراهان صبح
- (۴) دل پر از درد و روی در وادی / بسته بر دوش زاد بی‌زادی

۸۹. واژهٔ «وظیفه» در کدام گزینه معنای متفاوتی دارد؟

- (۱) مکارم تو به آفاق می‌برد شاعر / از او وظیفه و زاد سفر دریغ مدار
- (۲) ای عاشق گدا چو لب روح‌بخش بار / می‌داندت وظیفه تقاضا چه حاجت است
- (۳) سه بوسه کز دو لب‌ت کرده‌ای وظیفهٔ من / اگر ادا نکنی قرض‌دار من باشی
- (۴) حافظ وظیفهٔ تو دعا گفتن است و بس / در بند آن مباش که نشنید یا شنید

ادبیات و فن

دفتر سوم

آموزش املاي واژه ها



روان خوانی

بهر مرد چشم ما بود

بار اول که بر مرد را دیدم در کنگر با نوبست گاهی بود که خانه فرهنگ ضروری در کار او نداشتند. من هم که شاعر نبودم، و علاوه بر آن، جوانکی بودم و نوی چماق به میز خطابه شمی نهادند و او طای آدم هایش را خواند.
«پوش» که گریخت و در کوچه پاریس خانه رفتیم. خانم رو نشان نمی داد و پسران که شاعر از بود دنبال گریه می نمود و سر و صدا می کرد.
دیگر او را دیدم تا به خانه شمی رفتند شاید در حدود سال ۳۶ و ۳۰ و یکی دو بار با زنه به سرانجام رفتیم. همان نزدیکی های خانه آنها تکه زمینی وقتی از وزارت فر هنگ گرفته بودند و خیال داشتیم لایه های سازیم. این رفت و آمد بود و بود تا خاتمه ما ساخته شد و معاشرت همسایه های من آمد. محل هنوز پیاپی بود و خانه ها درست از سینه خاک تر آمده بودند و در چنان بنوهای آشنایی غشی بود آن هم با همسایه ها. آن به بعد که محاسبه او شده بودند، پیر مرد از یاد می دیدیم. کلی هر روز تا سلام علیکی می کردیم و احوال می پرسیدیم و من هیچ فکر نمی کردم که به روزی گاهی هم سرای همدیگر می رفتیم؛ تنها با اهل و عیال. گاهی درد دلی، گاهی مشورتی از خودش یا از زنه یا در بار پسران که سالی یک بار مدرسه خوش می کرد و هر چه می گفتیم بجران بلوغ است و سخت دیگر دیکر دیکر فایده نداشت.



من شراب نیست و ششم خردار شد. گفتیم: شراب بود و حجت زده می نمود. یک کار غیر عادی کارش را ساخت. از پوش تا کناره جاده چالوس خط ماهیش یاد کرده بود و از زنی سخن می گفت. «می نشسته و مثل جند او را می پاشد؛ آن قدر که به خواب می رفته و من حالا می خودم می پرسم که از او شنیدم. هر روز سری می دیدیم؛ زام بود و چیزی رده و حالا...
در گمان نمی کردم که کار از کار گذشته باشد. زام بود و چیزی رفتیم. عالیله خانم بای کرسی نشسته بود و سر او را روی سینه می داشت که کار از کار گذشته است؛ ولی بی نای می کرد و می گفت: «عالیله خانم را ما بسیم فرستادم که از خانه ما به دکتر نقلی ببرد. از زنه کرسی در آوردم و رو به قیله خوابانیدیم. و مساور نقلی که کردیم و از زنی را بار کردیم؛ آمد: «والصاف صفا»
از بای شتاب زدیم

■ (غ - ق)

جفت‌های املایی

قیاس	سنجش هم‌ثانواده: مقایسه، مقیاس
غیاث	به فریاد رسیدن، یاری‌گر و فریادرس هم‌ثانواده: الغیاث (یاری می‌خواهم)، استغاثه (یاری خواستن)
مستقلات	مستقل‌ها، امور مستقل
مستغلات	زمین‌هایی که از آن‌ها غلّه برداشت می‌شود، زمین‌های کشاورزی هم‌ثانواده‌ها: غلّه (گندم، جو و ...) ترکیب‌های رایج: املاک و مستغلات
قاضی	قضاوت کننده، داور ترکیب‌های رایج: مَسْنَدِ قاضی، قاضی وجدان (وجدان به قاضی مانند شده‌است).
غازی	جنگ‌جو، مبارز هم‌ثانواده‌ها: غزوه، غزا (جنگ) ترکیب‌های رایج: سلطان غازی، طبل غازی
غذا	خوراک
غزا	جنگ هم‌ثانواده‌ها: غزوه، غازی، مغازی (جنگ‌های پیامبر اسلام) ترکیب‌های رایج: غزا و جهاد، حج و غزا
قضا	تقدیر و سرنوشت، داوری کردن، به‌جا آوردن ترکیب‌های رایج: قضا و قدر، مقام قضا (قضاوت)، قضای حاجت (برآوردن نیاز)، قضای نماز، قضا شدن نماز
قِرابت	نزدیکی، خویشاوندی، خویشاوند هم‌ثانواده‌ها: قریب، مقَرَّب ترکیب‌های رایج: قرابت معنایی، دوستی و قرابت، قرابت و صحبت (هم‌نشینی)، قرابت نَسَبی (هم‌خونی)
عَرابت	پیچیدگی، شگفتی، دور بودن از ذهن هم‌ثانواده‌ها: غریب، غرایب ترکیب‌های رایج: غرابت مفاهیم، غرابت بنا
عُرْبَت	دوری از میهن، تنهاماندن هم‌ثانواده‌ها: غریب، غرابت ترکیب‌های رایج: دیار غربت، تنهایی و غربت، وحشت غربت



نزدیکی، خویشاوندی هم‌ثانواده‌ها: قریب، قرابت ترکیب‌های رایج: قربت پادشاهان (نزدیک بودن به پادشاهان)، قربت خدا، قربت یافتن (نزدیکی پیدا کردن)	قربت
عجیب، بیگانه و ناشناس، دور ترکیب‌های رایج: عجیب و غریب، مرد غریب، غریب ماندن	غریب
نزدیک ترکیب‌های رایج: قریب صد سال، قریب هزار دینار، مدتی قریب	قریب
آسودگی، تمام کردن کارها هم‌ثانواده‌ها: فراغت، فارغ (آسوده) ترکیب‌های رایج: رضا و فراغ، گوشه فراغ، فراغ خاطر، فراغ از شغل، فراغ بال	فراغ
دوری و جدایی از یار هم‌ثانواده‌ها: فُرقت ترکیب‌های رایج: فراق یار، فراق دوستان، درد فراق	فراق
آسوده، خلاص شده ترکیب‌های رایج: فارغ شدن، فارغ‌بال، ایمن و فارغ	فارغ
جداکننده، جدا هم‌ثانواده‌ها: فرق، تفرقه ترکیب‌های رایج: جامع و فارق (جمع‌کننده و جداکننده)، واصل و فارق (آن‌که به یار رسیده و آن‌که جدا مانده)	فارق
شکل، جسم ترکیب‌های رایج: قالب کفش، قالب تن، قالب تهی کردن (خالی شدن بدن از روح، مردن) قالب کردن (فروختن جنسی گران‌تر از قیمت اصلی، کلاه گذاشتن)	قالب
چیره و پیروز، بسیار، بخش عمده هم‌ثانواده‌ها: غلبه، مغلوب ترکیب‌های رایج: پادشاه غالب، حرص غالب، غالب مردم، غالب آمدن (پیروز شدن)	غالب
یاد دادن، تلقین کردن ترکیب‌های رایج: القای مفاهیم، القای منظور	القا
لغو کردن ترکیب‌های رایج: الغای قرارداد، الغای پیمان	الغا
ارزش، اندازه، حکم خداوند (قَدَر) ترکیب‌های رایج: صاحب قدر، قدر و قیمت، قدر داشتن، قَدَر قدرت (بسیار قدرت‌مند، کسی که قدرتش در حدّ قضا و قدر است.)	قدر
بی‌وفایی و پیمان‌شکنی، نیرنگ و فریب هم‌ثانواده‌ها: غَدّار (خائن و فریب‌کار) ترکیب‌های رایج: مکر و غدر، غدر پیمان	غَدْر
وام هم‌ثانواده‌ها: مقروض ترکیب‌های رایج: گزاردن قرض (ادا کردن وام)	قرض
هدف، کینه و دشمنی هم‌ثانواده‌ها: اغراض ترکیب‌های رایج: حصول غرض (رسیدن به هدف)، غرض‌ورزی (دشمنی)، غرض و مرض	غَرَض
شماره، نشانه، خط و نوشته	رَقَم
ترکیب‌های رایج: رقم زدن، رقم کشیدن، رقم مهر (نشانه مهرورزی)، رقم‌بندگی	
برخلاف میل، به خاک مالیدن بینی کسی ترکیب‌های رایج: علی‌رغم، به رِغم کسی	رِغَم

مُغْنِی	چاه کن	هم‌نانونده‌ها: قنات
مُعْنِی	آوازخوان	هم‌نانونده‌ها: غنا
غَلِیان	جوشیدن، هیجان	ترکیب‌های رایج: غلیان درونی، غلیان خشم
قَلِیان	وسیلهٔ دود کردن تنباکو (در اصل همان غلیان بوده است زیرا آب در آن می‌جوشد).	
پر تقال	یکی از گونه‌های مرکبات	
پر تغال	کشوری در اروپای غربی	

تمرین: عبارت‌های زیر را با انتخاب واژه‌های درون کمانک، کامل کنید.

- (۱) (غیاث - قیاس) اهل دنیا بی‌تخیل بی / بویا با فان اطلس ناشناس
ببر از جور فلک جانب میخانه پناه / مگرت بادهٔ حمرا برساند به
- (۲) (مستقلات - مستغلات) پس از مرگ پدر او صاحب ضیاع و بسیار شد.
- (۳) (قاضی - غازی) هیچ حاجی به گرد این کعبه طواف نکرد و هیچ در این معرکه مصاف نکرد.
قبلة همت کارآگاهان / حاجت حاجت‌خواهان
- (۴) (غذا - غزا - قضا) روزی پیامبر (ص) و صحابه از آمده بودند. پیامبر فرمود که اول طبل زنند و بعد به شهر وارد شوند.
- کبابِ خوانِ جنت، لذتِ خونِ جگر دارد / چندی به ذوقِ این داد اشتها ما را
- (۵) (قرباب - غراب) پارسه (تخت جمشید) از حیث با اهرام ثلاثه مصر برابری می‌کند.
گفتم عشقت و خویش است / غم نیست، غم از دل بداندیش است
- (۶) (غربت - قربت) مرد توانا را حمل بار گران رنجور نگرداند و عاقل را تنهایی و زیان ندارد.
مردم، دل‌مرده و تکیده و مبهوت / در زیر بار شوم جسدهاشان / از ی به دیگر می‌رفتند.
- (۷) (غریب - قریب) اندر راه حدی می‌خواند و اشتران می‌شتافتند تا به مدتی این‌جا آمدند.
بگریست چشم دشمن من بر حدیث من / فضل از هست، وفا در نیست.
- (۸) (فراق - فراغ) فصل بهار، بسته جهانی به عیش، دل / جامی و درد عشق و ز عیش جهان
نیست مرا از او آری / اسیر عشقِ بُتان ترکِ هر کند
- (۹) (فارغ - فارق) پسری به گنجی رسید که پدر برای او نهاده بود و باقی عمر از کسب آمد.
عالم از مردم پر است اما نباشد در میان / ایشان ز گاو خر به جز گوش و دُمی
- (۱۰) (قالب - غالب) لفظ، معنی است. اگر معنی نباشد، لفظ وجود ندارد.
عشق چو در من آفرید / من آفرید زن آفرید



- (۱۱) (القا- الغا) داستان کلبهٔ عموئم را زمینه‌ساز صدور فرمان بردگی در امریکا می‌دانند.
کنون بشنو که پیر عشقم از غیب/ سخن‌ها می‌کند بر نطق
(۱۲) (قدر- عَذر) و بدان که عاقبت مکر نامحمود و خاتمت نامحسوب است.
آن که ز ابلیس حیل جوید و / او مَر ادریس^۱ را چه داند
(۱۳) (قرض- غرض) کشاورز از پراکندن تخم، دانه باشد که قوت اوست.
باید احسانی چنان کردن که بعد از خرج راه/ خود بگرام و بازم نباید کرد
(۱۴) (رقم- رَغْم) به خلاف این که به عقوبت (مجازات) دست بَرَد، عفو بر جرایم همگان کشید.
همچو حافظ به مدعیان / شعر رندانه گفتیم هوس است
(۱۵) (مقتی- مغتی) شعری ناموزون را به نزدیک ای بردند تا لحنی لطیف بر آن سازد
..... از آن پرده نقشی بیار / بین تا چه گفت از درون پرده‌دار
(۱۶) (غلیان- قلیان) آن‌ها احساسات مردم و آتش غضب آن‌ها بهره می‌برند.
هستی به قیاس مصلحان، تو / چون ز آب فرات آب
.....

پاسخ و توضیح

- (۱) قیاس: بی‌تخیل بی‌قیاس (بدون توان درک و مقایسه)
غیاث: شاید بادهٔ سرخ بتواند تو را یاری نماید.
(۲) مستغلات: ضیاع: زمین‌های کشاورزی، دارایی‌های غیرمنقول مانند درخت و چاه آب.)
قاضی: قاضی حاجت: برآورندهٔ نیاز (قضای حاجت: برآورده کردن نیاز)
(۳) غازی: (معرکه: آوردگاه، رزمگاه)
قضا - غذا: معنای بیت: به ذوق غذایی که در بهشت نصیبمان می‌شود، روزگار اشت‌های خوردن خونِ جگر را در این دنیا به ما داد.
(ور امروز اندرین منزل تو را جانی زیان آمد / زهی سرمایه و سودا که فردا زان زیان بینی)
(۴) غزا: از غزا آمده بودند: از جنگ برگشته بودند.
(۵) غراب: یعنی تخت‌جمشید از لحاظ شگفتی با اهرام سه‌گانهٔ مصر برابری می‌کند.
قرب: قربت و خویش: فامیل و خویشاوند
(۶) غربت: تنهایی با «غربت» هم‌خوانی دارد نه «قربت». غربت - غربت
(۷) قرب: مدتی قرب: زمانی کوتاه
غریب - قرب: معنای مصرع دوم: غریبان و بیگانگان به من لطف دارند اما از دوستان و نزدیکان وفا و مهر نمی‌بینم.

۱. نام یکی از انبیا

۸) فراغ: معنای بیت: فصل بهار است و مردم جهان به عیش دل بسته‌اند اما جامی با درد عشق خوش است و از خوشی‌های جهان فراغ دارد (فراغ داشتن از چیزی: احتیاج نداشتن به آن، آسوده بودن از فکر و خیال آن)
فَراغ - فِراق - فَرّاح:

۹) فارغ: فارغ آمدن، آسوده شدن، بی‌نیاز شدن
فارق: معنای مصراع دوم: جز گوش و دم (ظاهر) چیزی جداکننده آن‌ها از چارپایان بی‌عقل و دانش نیست.
۱۰) قالب: «لفظ، قالب معنی است»: لفظ و کلام برای معنی مانند جسم (قالب) است (به عبارتی، معنی، روح لفظ است)؛ پس اگر معنی نباشد، لفظ نیز وجود نخواهد داشت (زیرا بدون روح که جسم به کاری نمی‌آید).
قالب - قالب - قالب

۱۱) القا

القا: القا کردن: در زبان گذاشتن و واژه به واژه یاددادن

۱۲) غدر: عاقبت مکر (پایان مکر و حيله) با «خاتمت غدر» (خاتمه خیانت و بی‌وفایی) هم‌خوانی دارد.
غدر - قدر

۱۳) غرض: غرض کشاورز: هدف کشاورز

قرض - قرض: **قرض گزاردن**: به جا آوردن قرض، بازپرداخت وام

۱۴) رقم: رقم عفو کشیدن: کنایه از بخشودن اشتباهات

رغم: به رغم مدعیان: بر خلاف میل بدخواهان

۱۵) مغنی: مغنی‌ها، شعرها را به لحن‌های لطیف (آواز و سرود) تبدیل می‌کردند.

۱۶) غلیان

قلیان: معنای بیت: در نگاه صالحان، ارتباط تو با دانش و اخلاق مانند ارتباط آبِ قلیان با آب رودخانه فرات است! این تمرین‌ها کمی سفت‌تر از دو تای قبلی بودند و پاسخ دادن به بیست مورد آن‌ها (از ۳۲ مورد) قابل قبول است؛ فسته نباشید!

(بار اول به این تست‌ها، تک‌تک پاسخ دهید، یعنی به تست ۱ پاسخ داده، بروید توضیحات مرا در پاسخ‌نامه بفوانید و بعد بروید سراغ تست ۲ و ... اما برای دوره با این تست‌ها از خودتان آزمون بگیرید؛ مثلاً هر ۱۰ تست را در ۱۰ تا ۱۲ دقیقه پاسخ دهید و بعد بروید سراغ جواب‌ها. شاید لازم باشد یک یا دوبار دیگر هم این تست‌ها را به همین شکل دوره کنید تا کاملاً روی نکته‌ها و دام‌های تستی مسلط شوید.)

۱. در کدام گزینه غلط املایی دیده نمی‌شود؟

- ۱) حاجیان به غالب گرد کعبه گردند و بقا خواهند و اهل دل به قلوب گرد عرش چرخند و لقا خواهند.
- ۲) من از آنان نیستم که به طمع دانه در دام آویزم و از ملامت عاجل و غرامت آجل نپرهیزم.
- ۳) اگر آتش غیض تو برافروزد و ابر جفای تو پیش آفتاب احسان تو حایل گردد، چه توان کرد؟
- ۴) در کوه و صحرا می‌گشت و از مباهات ارتزاق می‌کرد.

۲. تعداد غلط‌های املایی در کدام گزینه بیش‌تر است؟

- ۱) لعیم‌تر دوستان اوست که در حال شدت و نکبت، دوستی و صداقت را محمل گزارد.
- ۲) در قعر دریا با بند غوطه خوردن خطر است و از آن هایل‌تر، قربت سلاطین است.
- ۳) خواستم تا با مأنست تو از وحشت قربت بازهم که رنج مفارقت باری گران است.
- ۴) در جنگ مؤنت از نفس و جان باشد و در دیگر کارها از مال و مطاع.

۳. در عبارت زیر، چند غلط املایی وجود دارد؟

«صرف پیمودن راه و اصراف و اصرار در این عمل، دلیل رسیدن به مقصود نیست. رهرو خود باید مبدع و صاحب قریحه باشد نه این که پای متابعت و تقلید در راهی نهد که مبدع و غایت آن آشکار نیست و البته غایت الغصوای مقلدان جز ترکستان نیست.»

- ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۴. در عبارت «نیاکان تو بارها دشمن قوی را مغهور و مغلوب ساختند اما تو از عهدۀ صیانت از وطن خود برنیامدی و تا این حد اهمال ورزیدی، زیرا عیش و عشرت در عمارات و حدائق را بر مهمات ملک برگزیدی و از خارمایگی و رذالت این ملک را به خذلان و زلالت کشاندی» چند غلط املایی و رسم الخطی دیده می‌شود؟

- ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۵. در عبارت زیر چند غلط املايي ديده‌مي‌شود؟
بايد آن نويسنده را پرستيد که ذوق خواننده را به احتراز درآورد و غنچه استعداد خواننده را در آغوش رافت و عطوفت به نفحات مهر بگشايد و قدم‌هاي متزلزل او را در طی طريق حيات استوار سازد؛ نه اين که با تحميل مستبدانه استنباطات و محفوظات ثقیل و جانکاه خود، آب نوميدي و ذلت بر شعله هر ذوق سوزان و سرکش ريزد.
(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
۶. در عبارت «در شتابي که برای فرنگي معايي در ما ايجاد شده است، مجال نيافتيم تا دريايم که هيئت و کسوت اروپاييان با علم و عدل آنان ملازمه خاصي ندارد و ما خودمان روزگاري دانشمند و قاضي و داروقه و امثال آن داشتيم که منگوله در کلاه نداشتند و طيلسان کشيشي هم نمي‌پوشيدند.» چند غلط املايي يافت مي‌شود؟
(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
۷. در عبارت «کساني که عمر خود را منحصرأ به فراآوردن معلومات مي‌گذرانند و حرص و ولع زايدلوصفي در اين راه بروز مي‌دهند به طزاراني مي‌مانند که در تاريخي شب به رباطي زده و بي تشخيص و به تعجيل هر متاعي که مي‌يابند، مي‌ربايند و غارتگري خود را اثناء مي‌کنند.» چند غلط املايي و رسم الخطي ديده‌مي‌شود؟
(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
۸. در عبارت «چنان مي‌نمود که نگاهش از درون من مي‌گذرد و به ماوراي من مي‌نگرد و به مصاعب و شدائدي که بشر طی روزگاران صعب تحمل کرده است خيره مي‌شود، چنان که گويي اين رنج و محن که گريبان گير اوست رقم ناقابلي است از سياهه بالابلندي از بلایا و فجايع گوناگون» املاي کدام گزينه نادرست است؟
(۱) ماورا (۲) مصاعب (۳) محن (۴) رقم
۹. در عبارت «وقتي دکتر مراديان در بغداد به تلقيح واکسن آبله همت گماشت، مردم به تخطعه و تقبيح عمل او پرداختند و گفتند چون اين کار نوعي مبارزه با مشيت خداوند است هر مسلمان مؤمن بايد از قبول آن احتراز کند و طريقه خود را بر آن ترجيح دهد.» املاي کدام واژه غلط است؟
(۱) تلقيح (۲) تخطعه (۳) تقبيح (۴) ترجيح
۱۰. در عبارت زیر چند غلط املايي ديده‌مي‌شود؟
«ميرزا کوچک‌خوان از مجاهدان گيلان بود. در نهايت اعتقاد به مباحات و محارم بود. اطاعت اوامر و نواحي آزادي خواهان بي قرض را مثل فرض ديني مي‌شمرد؛ اما هميشه در نهايت به استخاره متوصل مي‌شد. چندين بار در دوره سلطنت احمدشاه، آزادي خواهان به او نوشتند که وقت برای حمله به تهران مساعد است اما چون استخاره بد آمد از آمدن به تهران عبا کرد.»
(۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش
۱۱. در عبارت «کساني که مي‌توانند عهده‌دار هدايت و سيادت در حيطه ادبيات شوند، بايد پايش گزارند و از راهنمايي مضايغه ننمايند و با قلم خويش محاسن و سجايای آثار ادبي را از معايب و اثرات آن‌ها تفکيک نمايند.» چند غلط املايي ديده‌مي‌شود؟
(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

(سراسری انسانی، ۹۳)

۱۰۴. در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«در حضرت عزّت صحو و غفلت جایز نیست و جزای نیکی بدی و پاداش عبادت، عقوبت صورت نهند و در احکام آفریدگار از قضیّت معدلت گذر نباشد. و کارهای خلاق به خلاف آن بر فنون متفاوت رود؛ گاه مجرمان را ثواب کردار مخلصان ارزانی می‌دارند و گاه ناصحان را به عذاب ذلّت جانپان مؤاخذه می‌نمایند؛ هوا بر احوال ایشان غالب و خطا در افعال ایشان، ظاهر.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

(سراسری زبان، ۹۳)

۱۰۵. در متن زیر، املائی کدام کلمه درست نیست؟

«ملک فرمود: مانع خشم و حایل سیاست آن بود که صدق اخلاص و مناصحت تو می‌شناختم و می‌دانستم که بر تو در این محاوره، غرامتی نیست، چه می‌خواستی که قرار عظیمت ما در تقدیم و تأخیر آن غرض بشناسی و قدم در کار نهی. بدین حزم، خرد و دهائی تو آزموده‌تر گشت و اعتماد بر نیک بندگی و طاعت تو بیفزود.»

(۱) حزم (۲) حایل (۳) عظیمت (۴) غرامت

(سراسری زبان، ۹۳)

۱۰۶. در متن «هر که را سعادت ازلی یار باشد، مناصحت مخلصان و موعظت مشفقان را عزیز دارد و در کارها پیش از تأمل و تدبّر آغاز نکند و موضع حزم و احتیاط را ضایع نگذارد و اگر کسی را بخت مئونت نماید و ملازمت این سیرت دست دهد بر آن تحمید و صلت چشم نتوان داشت.» املائی کدام واژگان غلط است؟

(۱) نگذارد، موضع (۲) مئونت، تأمل (۳) مئونت، نگذارد (۴) تأمل، موعظت

(سراسری ریاضی، ۹۴)

۱۰۷. در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) نشاط غنا در من آور پدید / فراغت دهم زان چه نتوان شنید
- (۲) چو غازی به خود برنهند پای / که محکم رود پای چوبین ز جای
- (۳) چو زد کوزه بر حوضه سنگ بست / سفالین بُد آن کوزه حالی شکست
- (۴) هر که در طالعش فراغ افتاد / سایه او از او کنار کند

(سراسری تجربی، ۹۴)

۱۰۸. کدام بیت، فاقد غلط املائی است؟

- (۱) حزم آن باشد که برگیری تو آب / تا رهی از ترس و باشی بر صواب
- (۲) ظالم از مظلوم کی داند کسی / کاو بود صُخره هوا هم چون خسی
- (۳) نقد را از نقل شناسد قوی است / هین از او بگریز اگر چه معنوی است
- (۴) ما به دل بی‌واسطه خوش بنگریم / کز فراست ما به عالی منظریم

(سراسری تجربی، ۹۴)

۱۰۹. در ابیات زیر، کدام واژه‌ها تماماً از نظر املائی غلط‌اند؟

- سر آشفته به بیغوله میخانه زدم / خم همه عاطل و خمخانه همه باطل بود
گوش دل بود و صدای جرس گنگ سکوت / قافله رفته و وامانده دلی غافل بود
من همه جهد که از دوست جدایی نکنم / چه کنم بین من و دوست اجل هایل بود
آه از آن عشق که با شعله عشق و شباب / چه جلا داشت دریغا اجلی اجل بود
- (۱) بیغوله - عاطل - اجل (۲) جهد - هایل - عاطل (۳) جرس - هایل - اجل (۴) جرس - بیغوله - جهد

(سراسری هنر، ۹۴)

۱۱۰. کدام بیت فاقد غلط املایی است؟

- (۱) کشتی بی‌لنگر آمد مرد شر / که ز باد کژ نیابد او خضر
- (۲) که ز قرآن گر نبیند غیر قال / این عجب نبود ز اصحاب زلال
- (۳) که مرو زان سو بیندیش ای غوی / که اسیر رنج و درویشی شوی
- (۴) علم جوی و طاعت آور تا به جان / زین تن لاغر برون آبی ثمین

(سراسری خارج از کشور، ۹۴)

۱۱۱. در کدام بیت غلط املایی یافت می‌شود؟

- (۱) بس ز نقش لفظ‌های مثنوی / صورتش زال است و هادی معنوی
- (۲) در هوا چون بشنود بانگ صفیر / از هوا آید شود این جا اسیر
- (۳) گفت لابد درد را صافی بود / زین دلالت دل به صفوت می‌رود
- (۴) گفت ای شه‌مژده حاجات رواست / گر غریبی آیدت فردا ز ماست

(ریاضی، ۹۵)

۱۱۲. در عبارت زیر املای کدام واژه نادرست است؟

«سه تن آرزوی چیزی برند و نیابند: مفسدی که ثواب مصلحان چشم دارد و بخیلی که سنای اصحاب مروت توقع کند و جاهلی که از سر سفاهت و غضب و حرص برنخیز و الحاح ورزد که با نیک‌مردان برابر بود.»

(۱) سفاهت (۲) الحاح (۳) ثواب (۴) سنا

(تجربی، ۹۵)

۱۱۳. در کدام عبارت غلط املایی وجود دارد؟

- (۱) اصحاب حزم گناه ظاهر را عقوبت مستور جایز نشمرند.
- (۲) و چندان که شایانی قبول حیات از این جثّه زایل گشت، برفور متلاشی گردد.
- (۳) اندیشه با اتباع خویش در میان نهاد و احوال خویش در مطاوعت و صدق مناصحت به قابوس نوشت.
- (۴) این مسأله خلاف آن غیاث است که خواجه کرده است که یزدان متبوع است بر خیر و قادر نیست بر شر.

(زبان، ۹۶)

۱۱۴. در کدام عبارت، غلط املایی وجود دارد؟

- (۱) هر چند که در ثمرات عفت تأمل بیش کردم، رغبت من در اکتساب آن زیادت گشت.
- (۲) او چون صورت آن شیران و صولت آن دلیران مشاهده کرد، انگشت ندامت گزیدن گرفت.
- (۳) نه در ضمیر ضعیفان آزاری صورت بندد و نه گردنکشان را مجال عصیان و توسنی باقی ماند.
- (۴) پیر را آرز مال و دوستی فرزند در کار آورد، تا جانب دین و مروت مهمل گذاشت و ارتکاب این منکر جایز شمرد.

(زبان، ۹۶)

۱۱۵. در کدام بیت، غلط املایی یافت می‌شود؟

- (۱) همیشه دست توقّع گرفته دامن فضلش / چو وامدار که دریابد آستین زمین را
- (۲) ای به هوا و مراد این تن غدار / مانده به چنگال باز آرز گرفتار
- (۳) دهر سپید دست سیه کاسه‌ای است صعب / منگر به خوش زبانی این ترش میزبان
- (۴) تو قدر فضل شناسی که اهل فضلی و دانش / شبه فروش چه داند بهار دُرّ ثمین را

(هنر، ۹۶)

۱۱۶. در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«هرگاه در این مقامات فضایل عفو و احسان مقرر گشت، همت بر ملازمت آن سیرت مقصور شود و وجه صلاح و طریق صواب در آن مشتبه نگردد و آدمی از صحو و جرم و ذلت معصوم نتواند بود و اگر در مقابله این معانی و تدارک این ابواب غلو جایز شمرده شود، مضرت آن به مهمات سرایت کند.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

(هنر، ۹۶)

۱۱۷. در کدام ابیات، غلط املائی وجود دارد؟

الف - نسیم باد صبا چون ز بوستان آید / مرا ز نکحت او بوی بوستان آید
ب - حیات چیست؟ بقایی فنا در او مضمر / ممات چیست؟ فنایی بقا در او مضمون
ج - بر مرکب نشاط دل و نزهت و سرور / بادی سوار تا ابدالدهر و شادکام
د - این چه باد است که از سوی چمن می آید / وین چه خاک است کزو بوی ثمن می آید
(۱) الف - ب (۲) الف - د (۳) ب - ج (۴) ج - د

(تجربی، ۹۷)

۱۱۸. در کدام بیت «غلط املائی» وجود دارد؟

(۱) گه سبحه به دست و گاه زنار به دوش / یارب چه کنم کی ام چه آیین دارم
(۲) تا مه و مهر فلک والی روزند و شبند / تا شب و روز جهان اصل ظلام است و ضیاست
(۳) در خدمت جانانه کمر بسته ستادیم / در ساحت میخانه سراسیمه دویدیم
(۴) ای که ندیدی مقام عاشق و معشوق / عزت منعم ببین و زلت سائل

(هنر، ۹۷)

۱۱۹. در کدام بیت «غلط املائی» وجود دارد؟

(۱) غریو از بزرگان مجلس بخواست / که گویی چنین شوخ چشم از کجاست
(۲) آن که حظ آفرید و روزی داد / یا فضیلت همی دهد، یا بخت
(۳) هر قضایی سببی دارد و من در غم دوست / اجلم می کشد و درد فراقش سبب است
(۴) بهر استثناست این حزم و حذر / زان که خر را بز نماید این قدر

(خارج از کشور، ۹۷)

۱۲۰. در کدام بیت، «غلط املائی» وجود دارد؟

(۱) قیاس کردم و آن چشم جاودانه مست / هزار ساحر چون سامریش در گله بود
(۲) دولت از مرغ همایون طلب و سایه او / زان که با زاغ و زغن شهپر دولت نبود
(۳) محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد ببر / قصه ماست که در هر سر بازار بماند
(۴) سفیر مرغ برآمد بط شراب کجاست / فغان فتاد به بلبل نقاب گل که کشید؟

۱. گزینه ۲

ملاّت عاجل: سرزنش در این دنیا؛ **گرامت آجل:** تاوان و مجازات اخروی
املاي **قالب** (جسم) در گزینه نخست، **غیظ** در گزینه سوم و **مباحات** (آن چه مباح و حلال است) در
گزینه چهارم، غلط آمده است. **(ارتزاق:** کسب رزق و روزی، گذران زندگی)

۲. گزینه ۱ املاي

لثیم (پست)، مُهمل و گذارد در گزینه نخست غلط است.
(مُهمَل گذاشتن: سهل انگاری کردن، رها کردن)
املاي **مؤانست** و **غربت** (تنهایی) در گزینه سوم نادرست است.
املاي **متاع** (کالا) - که با مال هم‌خوانی دارد - در گزینه چهارم غلط است و در گزینه دوم غلطی
وجود ندارد.

۳. گزینه ۳

املاي **اسراف** غلط است. املاي «مُبدع» (نوآور) در کنار صاحب قریحه درست است و با آن هم‌خوانی
دارد اما «مبدع» دوم غلط است و باید به جای آن «مبدأ» بیاید تا با غایت (سرانجام) هم‌خوانی داشته
باشد (مبدأ و غایت: آغاز و پایان). املاي «غایت القصوی» (نهایت آرزو، مقصد نهایی) نیز غلط است.

۴. گزینه ۳

املاي **مقهور** (شکست خورده) غلط آمده است. املاي عمارات (ساختمان‌ها و کاخ‌ها) و حدائق
(باغ‌ها) درست است. املاي **خوارمایگی** و **ذلالّت** نیز غلط آمده است.

۵. گزینه ۱

تنها املاي **اهتزاز** (جنبش) غلط آمده است (طولانی بودن متن، دلیل بر زیاد بودن تعداد غلط‌هایش نیست!)

۶. گزینه ۳

املاي **فرنگی‌مآبی**، **ملازمه** (همراهی) و **داروغه** در متن تست غلط است.

۷. گزینه ۱

املاي **اقتناع** (قانع کردن) و **زاید الوصف:** (فرا تر از حد وصف، وصف ناپذیر) غلط آمده است.

۸. گزینه ۲

ماورا: آن چه در پشت چیزی ست؛ مصایب = مصائب: مصیبت‌ها، میخ: محنت‌ها، رَقَم: نشانه

۹. گزینه ۲

تخطئه: خطاکار دانستن (همریشه خطا)

تلقیح: واکسن زدن، وارد کردن ماده ای به بدن (همریشه لقاح)

۱۰. گزینه ۳

املاي **خان، نواهی، بی غرض** (بدون نیت بد)، **متوسل** و **ابا** در متن تست غلط است.

۱۱. گزینه ۲

املاي **گذازند، مضایقه و عثرات** (خطاها و کاستی ها) غلط آمده است.

۱۲. گزینه ۲

املاي **استنباطات** (برداشت ها)، **اسلوب، بحر العلوم، کریه و انزجار** نادرست آمده است.

علو مرتبه: بالا بودن رتبه، بلندپایگی («عُلُو» همریشه «عالی» و «اعلی» است).

داهیه = داهی: زیرک و باهوش (همریشه «دها»)

۱۳. گزینه ۱

فقط املاي **حطام** نادرست آمده است.

مهر ضلالت: مهر و نشان گمراهی؛ «عاجل را بر آجل رحجان داد»: حال (دنیا) را بر آینده (آخرت)

ترجیح داد. **وجاهت:** در این جا یعنی جاه و مقام.

۱۴. گزینه ۱

املاي **خوار** (ناچیز و پست)، **حزم** (دوراندیشی)، **مهمل، زایل و اهمال** (سستی و سهل انگاری) در

متن تست نادرست است. (باید به جفت های املاي مثل «خار- خوار / هضم- حزم / محمل-

مهمل» کاملاً توجه و دقت داشته باشید تا هرگز از دستتان درنروند و از چشمتان پنهان نمانند!)

۱۵. گزینه ۳

املاي **وزر، تبقت** (رنج و سختی) و **معونت** (یاری) در متن تست نادرست است.

حال و عاجل: به زودی؛ عقوبت: مجازات

۱۶. گزینه ۲

غلط بودن املاي **اسلاف** (گذشتگان) و **اساس** (پایه ها) آشکار است. یادتان هست که «سورت»

معنای «شدت» می داد ← **سورت صوت:** شدت حمله

۱۷. گزینه ۳

املاي **ذمائم** (صفت های مذموم)، **توفیر** (سود) و **بیفزاید** نادرست آمده است. (مخالطت: با کسی

درآمیختن و هم نشینی کردن، همریشه مخلوط و اختلاط)

۱۱۰. گزینه ۳

معنای بیت نخست: انسان شرور مانند کشتی بی لنگر است که از باد مخالف بر حذر نیست (به راحتی در مسیر خلاف به حرکت درمی آید).

معنای بیت دوم: از گمراهان (اصحاب ضلال) عجیب نیست که فقط ظاهر گفته های قرآن را در نظر بگیرند.

معنای بیت سوم: ای انسان گمراه (غوی) در این مسیر گام منه که دچار رنج و فقر می شوی.
معنای بیت چهارم: اگر اطاعت خدا را پیشه کنی و در آموختن علم بکوشی، از این جسم لاغر و نحیف به جانی فربه و پرور دست خواهی یافت (روح و روانت بسیار ارزشمندتر می شود تا جسم و بدنت که در کل لاغر است و کم ارزش.^۱)

۱۱۱. گزینه ۱

معنای بیت نخست: بسیاری از گفته های مثنوی در صورت و ظاهر ضال (مایه ضلالت و گمراهی) است، اما از نظر معنایی هدایت کننده و راه گشا است. (اگر نتوانستید به این تست غیراستاندارد پاسخ دهید، مشکل از شما نیست. اولاً از شاعر است که حوصله سرودن مثنوی را نداشته است و به اصرار شاگردانش آن را ادامه می داده و این چنین، گاهی زبان را فدای معنا می کرده است و از آن مهم تر طراح محترم که از چنین سنگلاخ زبانی، سؤال املا طراحی می کنند! باشد که بیت از مولاناست، این کلام حتی نثر بی کاستی و پرداخته ای نیست، چه رسد که بخواهد شعر باشد و از آن سؤال املا طرح شود! به هر حال نگران این تست های گهگاهی و انگشت شمار نباشید، هیچ کس به آن ها درست پاسخ نمی دهد! خیالتان آسوده!)

۱۱۲. گزینه ۴

ثنای اصحاب مروت: ستایش و تأیید از سوی جوانمردان

۱۱۳. گزینه ۴

قیاس: مقایسه // غیاث: فریادرس، به داد کسی رسیدن

۱۱۴. گزینه ۲

سورت آن شیران: تیزی و تندخویی آن شیرها

۱۱۵. گزینه ۱

آستین ضمین: آستین کسی که ضمانت ما را کرده است.

۱ - البته لاغری بودن برای چارپایان بد است - تازه آن هم از دید ما آدم ها که می خواهیم بخوریمشان! - وگرنه برای آدم ها نه خوب است نه بد، مهم تندرستی است! تندرست باشید بچه ها!

۱۱۶. گزینه ۲

«سهو و زلت» از ترکیبات املایی رایج است. (تشدید «غلو» در زبان عربی روی «و» است نه «ل» در فارسی هم اصلاً تشدید ندارد! اما این اشتباه رسم الخطی هم از چشم طراح دور ماند هم از چشم شما!)

۱۱۷. گزینه ۲

نکته: بوی خوش // سمن: یاسمن، گل یاس (ثمن: بها)
«بادی» در بیت سوم، فعل دعایی دوم شخص مفرد است.

۱۱۸. گزینه ۴

ذلت سائل: خواری خواهنده و گدا
(شُبَّحه: تسبیح // زَنار: کمر بند مسیحیان که نشانه نامسلمانی بود.)

۱۱۹. گزینه ۱

غریو و فریاد از بزرگان مجلس **بخاست** (بلند شد)

۱۲۰. گزینه ۴

«صفیر مرغ» اشتباه نوشته شده بود.

سال دهم

نام اثر	پدیدآورنده	نکته‌ها
الهی‌نامه	عطار نیشابوری	۱) همه آثار عطار به جز تذکرةالاولیا در قالب شعر (نظم) هستند. «الهی‌نامه» و «منطق‌الطیر» از سروده‌های عطار است. ۲) الهی‌نامه منثور از خواجه عبدالله انصاری است. ۳) به حدیقه سنایی هم «الهی‌نامه» می‌گویند که آن هم به نظم است.
چشمه و سنگ	نیمایوشیج	۱) نیمایوشیج، سروده‌های بسیاری در قالب‌های کهن نیز داشته‌است. از جمله سروده «چشمه و سنگ» که در قالب مثنوی است. ۲) نام اصلی نیمایوشیج، علی اسفندیاری بوده‌است.
داستان‌های صاحب‌دلان	محمدی‌اشتهاردی	
قابوس‌نامه	عنصرالمعالی	این کتاب شامل داستان‌های اندرزگونه است که عنصرالمعالی، فرمانروای گرجان و طبرستان برای پرورش و تربیت پسرش نوشته‌است.
داستان خسرو	عبدالحسین وجدانی	عبدالحسین وجدانی قلمی طنزآمیز دارد و در داستان خسرو نیز این طنز به چشم می‌خورد.
سفرنامه	ناصرخسرو قبادیانی	۱) سادگی نثر و دقت در بیان و شرح جزئیات از ویژگی‌های ارزشمند نثر سفرنامه خسرو است. ۲) ناصرخسرو شاعر و نویسنده تأثیرگذار قرن پنجم است.
سیاست‌نامه (سیرالملوک)	خواجه نظام‌الملک توسی	مجموعه‌ای از داستان‌های پندآموز است برای شاهان و فرمانروایان
اتاق آبی	سهراب سپهری	به نثر است نه شعر، زیرا زندگی‌نامه و خاطره‌نگاری سهراب است.
ارزیابی شتاب‌زده	جلال آل‌احمد	مجموعه مقاله‌های جلال آل‌احمد نویسنده معاصر است.
غزل مهر و وفا	حافظ	به شیوه مناظره و گفت‌وگو سروده شده است.
اسرارالتوحید	محمدبن منور	زندگی‌نامه ابوسعید ابوالخیر. عارف معروف است که به قلم نه‌اش، محمدبن منور نوشته شده است و نثری ساده و روان دارد.



نام اثر	پدیدآورنده	نکته‌ها
تفسیر سورة یوسف	احمد بن محمد زید توسی	زید توسی فقط سورة یوسف را با نگاهی عارفانه شرح کرده است نه همه قرآن را.
پیوند زیتون بر شاخه ترنج	موسوی گرمارودی	«در سایه‌سار نخل ولایت» از این مجموعه شعر است که در قالب شعر سپید سروده شده است و کتاب آن را در زمره ادبیات پایداری قرار داده‌است.
غرش شیران	سیف فرغانی	قصیده‌ای شکوهمند و مین‌پرستانه است که در برابر یورش مغول‌ها به آب و خاکمان قد علم کرده است و در زمره ادبیات پایداری جای می‌گیرد.
باز این چه شورش است	محتشم کاشانی	معروف‌ترین سوگنامه (مرثیه) درباره واقعه عاشورا به شمار می‌آید و در دسته ادبیات پایداری قرار می‌گیرد.
دریادلان صف شکن	مرتضی آوینی	این روایت در مجله ادبیات داستانی به چاپ رسیده است.
خاک آزادگان	سرور اعظم باکوچی (سپیده کاشانی)	از شاعران انقلاب اسلامی است.
من زنده‌ام	معصومه آباد	روایت «شیر زنان» از این کتاب است.
گلستان	سعدی	شاهکار نثر قدیم فارسی است. مجموعه‌ای است از حکایت‌هایی که از زندگی و سفرهای دور و دراز سعدی مایه گرفته است. نثر این حکایت‌ها مسجع و درآمیخته با بیت و شعر است. سعدی در قرن هفتم می‌زیسته است.
شاهنامه	فردوسی توسی	البته داستان‌های شاهنامه تراوش ذهن فردوسی نیست. این داستان‌ها از ایران باستان سینه به سینه نقل می‌شده است تا در زمان سامانیان، شاه سامانی دستور گردآوری و نگارش آن‌ها را می‌دهد، فردوسی آن‌چه را گردآوری شده بود، با زبانی شکوهمند به نظم می‌کشد و جاودانه می‌کند. فردوسی در قرن چهارم و پنجم می‌زیسته است.
دلبران و مردان ایران زمین	محمود شاهرخی (جذبه)	کتاب درسی. این مثنوی را جزء متون حماسی دانسته است.
مثنوی معنوی	مولوی (جلال‌الدین محمد بلخی)	این کتاب را مولانا در اواخر زندگی‌اش در شش دفتر (فصل) سروده است و بیش‌تر حکایت‌هایش جنبه تعلیمی - عرفانی دارد. داستان طوطی و بقال از دفتر اول مثنوی است. مولانا در قرن هفتم می‌زیسته است.

نام اثر	پدیدآورنده	نکته‌ها
اخلاق محسنی	حسین واعظ کاشفی	مجموعه‌ای از حکایت‌ها و اندرزهای اخلاقی است که در زمره ادبیات منثور تعلیمی می‌گنجد.
داستان‌های دل‌انگیز فارسی	زهرای کیا (خانلری)	بازنویسی داستان‌های معروف ادبیات کهن فارسی است با بهره‌گیری از برخی بیت‌ها و عبارت‌های متن اصلی داستان‌ها.
لطایف الطوائف	فخرالدین علی صفی	از آثار طنزآمیز ایران قدیم و به‌نثر است.
سمفونی پنجم جنوب	نزار قبابی	این مجموعه شعر را محمد شکرچی، ناهید نصیحت و سیدهای خسروشاهی به زبان فارسی برگردانده‌اند. نزار قبابی شاعر معروف عرب و زاده سوریه است. سروده‌های عاشقانه او شهرت جهانی دارد.
مزار شاعر	فرانسوا کوپه	نویسنده و شاعر فرانسوی است. نام یکی از آثار او «فردوسی» است!
مآنده‌های زمینی و مآنده‌های تازه	آندره ژید	«مهرستی بحرینی» از مترجمان این کتاب به زبان فارسی است. آندره ژید شاعر و نویسنده معروف فرانسوی است.
بینوایان	ویکتور هوگو	هوگو شاعر و نویسنده بزرگ فرانسوی است.

۱. در دو بیت زیر کدام ویژگی آثار حماسی برجسته‌تر است؟
 «منی چون بیبوست با کردگار / شکست اندر آورد و برگشت کار»
 «چه گفت آن سخن‌گوی با فَرّ و هوش / چو خسرو شدی بندگان را بکوش»
 (۱) قهرمانی (۲) ملی (۳) داستان‌گونه‌گی (۴) خرق عادت
۲. از بیت «خروشید و برجست لرزان ز جای / بدرید و بسپرد محضر به پای» و بیت
 «سواران لشکر، برانگیختند/ همه دشت پیشش درم ریختند» به‌ترتیب کدام جنبه‌های حماسه قابل برداشت است؟
 (۱) قهرمانی - قهرمانی (۲) قهرمانی - ملی
 (۳) خرق عادت - ملی (۴) ملی - ملی
۳. در کدام گزینه، زمینه خرق عادت آثار حماسی به چشم نمی‌خورد؟
 (۱) یکی تازی‌ای برنشسته سیاه / همی خاک نعلش برآمد به ماه
 (۲) چرا رزم جُستی ز اسفندیار / که او هست رویین تن و نامدار
 (۳) دو مار سیه از دو کتفش بُست / غمی گشت و از هر سویی چاره جُست
 (۴) یکی مجمر آورد و آتش فروخت / وز آن پَر سیمرغ لختی بسوخت (فروخت = افروخت)
۴. زمینه حماسه در کدام بیت، متفاوت با سایر ابیات است؟
 (۱) همان زال کاو مرغ پرورده بود / چنان پیر سر بود و پژمرده بود
 (۲) جهاندار هوشنگ با رأی و داد / به جای نیا تاج بر سر نهاد
 (۳) سواران لشکر برانگیختند / همه دشت پیشش درم ریختند
 (۴) چو بشنید گفتار اخترشناس / بخندید و پذیرفت از ایشان سپاس
 (ریاضی - ۹۶)
۵. زمینه حماسه در کدام بیت با «دریدم جگرگاه دیو سپید»، تناسب دارد؟
 (۱) ز دیبای پر مایه و پرنیان / بر آن گونه شد اختر کاویان
 (۲) همه جامه تا پای بدرید پاک / بر آن خسروی تاج پاشید خاک
 (۳) چنین سال سیصد همی رفت کار / ندیدند مرگ اندر آن روزگار
 (۴) بسان پلنگ ژیان بُد به خوی / نکردی به جز جنگ، چیز آرزوی
 (هنر - ۹۶)
۶. در داستان نبرد رستم و اشکبوس، کدام یک از عناصر حماسه به چشم نمی‌خورد؟
 (۱) ملی (۲) داستانی
 (۳) خرق عادت (۴) قهرمانی